

طبقاته و محیط زیست

درباره نظریه های طبقاتی و مسائل محیط زیستی حوزه

اقتصاد سیاسی محیط زیست

سرشناسه	: اتفاق، شهرام، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: طبقه و محیط زیست: درباره نظریه‌های طبقاتی و مسائل محیط زیستی حوزه‌ی اقتصاد سیاسی محیط زیست / تالیف شهرام اتفاق.
مشخصات نشر	: تهران: آماره، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۴۱۰ ص.
شابک	: 978-622-7326-24-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: Environmental economics -- اقتصاد محیط زیست
موضوع	: Environmental sciences -- جنبه‌های اجتماعی -- Social aspects
موضوع	: Social classes -- طبقات اجتماعی
موضوع	: Capitalism -- سرمایه‌داری -- جنبه‌های زیست محیطی -- Environmental aspects
رده بندی کنگره	: HC ۷۹
رده بندی دیویی	: ۷/۳۳۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۲۴۷۱۴

طبیعه و محیط زیست

درباره نظریه‌های طبقاتی و مسائل محیط زیستی حوزه
اقتصاد سیاسی محیط زیست

تألیف:

شهرام اتفاق



© Nashr-e-Amareh, MMXXI



نشرآماره

عنوان کتاب: طبقه و محیط‌زیست Title: Social Class and Environment

تألیف: شهرام اتفاق Author: Sh. Etefagh

شابک: ۶-۲۴-۷۳۲۶-۶۲۲-۹۷۸ ISBN: 978-622-7326-24-6

نوبت چاپ: اول تاریخ چاپ: ۱۴۰۰ The 1st Edition Published: 2021

تیراژ: ۳۰۰ نسخه Circulation: 300 impression

هرگونه کپی‌برداری، اسکن و میکروفیلم،
جزئی یا کلی بدون اجازه مکتوب نشر آماره
ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد
No portion of this book may be
reproduced, by any process or
technique, without the express written
consent of the publisher (Amareh
Press)

محتوای اصلی کتاب بازتاب اندیشه‌های
پدیدآورنده توسط ناشر می‌باشد و مسئولیت
درستی آن به عهده‌ی ایشان می‌باشد.
The views expressed in this book
represent those of the individual
Author and Editor. These views do
not necessarily reflect endorsement by
the Publisher (Amareh Press)

© تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشر آماره
محفوظ است © ALL RIGHTS RESERVED: for
the Amareh Press

دفتر مرکزی نشر آماره: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان دوازده

فروردین، پلاک ۳۱۶، واحد ۴ تلفن ۰۲۱-۶۶۹۵۱۳۲۳ و ۰۹۳۶۱۷۶۴۳۹۱

برای آگاهی از مراکز فروش و سایر اطلاعات به وبسایت نشر آماره مراجعه کنید:

www.nashreamareh.ir

تقدیم به تمامی پایشگران و خبرنگاران

محیط زیستی این زیست بوم

پیشگفتار مؤلف

آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل خود، از وجود سه طبقه سخن گفت و شکل‌گیری آن طبقات را منبعث از درآمدهای مربوط به اجاره‌ی زمین، مزد کارگر و سود سرمایه دانست: طبقه‌ای که از محل عواید اجاره‌داری امرار معاش می‌کنند، طبقه‌ای که معیشت ایشان وابسته به دریافت مزد است و طبقه‌ای که محل کسب درآمد ایشان سود است. (اسمیت، ۱۳۹۷، ۲۸۴) اما این صورت‌بندی ساده از طبقات، نه در قامت یک «نظریه‌ی طبقاتی» ظاهر شد و نه اسمیت مدعی بود که مسئولیت خطیر کشف قوانین اجتماعی را بر دوش می‌کشد. چنانچه پیش از او نیز بسیاری دیگر - نظیر سن‌سیمون، پرودون، کُنت، کومه و دانویه - از گروه‌بندی‌های اجتماعی مشابهی سخن گفته بودند.

اما کارل مارکس و فردریش انگلس در میانه قرن نوزدهم و به قصد کشف قوانین حاکم بر تاریخ و جامعه، مدعی شدند که «طبقه»، پدیداری فراتر از یک مفهوم قراردادی و برساخته^۱ است و گمان بردند که طبقات اجتماعی، با توسل جستن بر همانندی‌های ذاتی در عناصر آن، پدیده‌ای قابل اکتشاف است و بدین‌سان، «نظریه طبقاتی مارکس» متولد شد.

پیدایش «نظریه طبقاتی مارکس» در یک بازه زمانی خاص، نقطه عطفی در تاریخ جنبش‌های عدالت‌خواهانه به‌شمار می‌رفت. عدالت‌جویان پیش از مارکس و به ویژه کمونیست‌ها یا همان‌هایی که انگلس به طعنه و تحقیر، سوسیالیست‌های تخیلی می‌نامیدشان، متشتت و فاقد یک تئوری منسجم و قابل اتکاء درباره آرایش نیروها در میدان نبرد بودند. اما با انتشار مانیفست کمونیست در ۱۸۴۸ و کتاب کاپیتال در ۱۸۶۷، به نظر می‌رسید که معما حل شده است و از این پس، قوانین مکشوف حاکم بر تاریخ و جامعه، جای تخیل را خواهند گرفت.

همه چیز در دستگاه نظری نوظهور مارکس مبرهن، بدیهی و اندکی اغواکننده به نظر می‌رسید: در یک برحه تاریخی، مناسبات اجتماعی - هم چون مالکیت شخصی بر ابزار تولید - مانع از رشد «نیروهای مولده» - به معنای «طبقه کارگر و ابزار تولید» - خواهند شد و شدت فزاینده این تعارضات، تحول اجتماعی و انقلاب را در پی خواهد داشت. سوژه (یا عامل) این تحول اجتماعی طبقه کارگر است و مأموریت تاریخی او، سرنگونی کاپیتالیسم از طریق مبارزه طبقاتی و استقرار دیکتاتوری طبقه کارگر (پرولتاریا) و بنانهادن یک نظام کمونیستی خواهد بود. قرار بود تا سازمان اجتماعی نوین، مشتمل بر نظام بی طبقه‌ای باشد که کم‌یابی منابع در آن خاتمه خواهد یافت و هرکس به اندازه توانش کار و هرکس به قدر نیازش مصرف خواهد کرد. به جرأت می‌توان ادعا کرد که از اواخر قرن نوزدهم تا حوالی نیمه دوم قرن بیستم، نظریه طبقاتی مارکس، جان‌مایه بسیاری از جنبش‌های اجتماعی در سرتاسر جهان بود. اما دیری نپایید که تحولات تاریخی همچون موریانه‌هایی سمج، به جان آن افتادند و آرام‌آرام آن را مضمحل ساختند. آن تصور ذات‌باورانه از طبقات اجتماعی که روزگاری، یکی از دست‌آوردهای بدیع و برجسته‌ی مارکس و انگلس به‌شمار می‌رفت و جایگاه ویژه‌ای را در تحلیل‌های اجتماعی کسب کرده بود، منزلت پیشین خود را از دست داد و حتا بسیاری از مارکسیست‌های جهان نیز آن را ناتوان از تجزیه و تحلیل امور جامعه دانستند و بر ناکارآمدی آن گواهی دادند. این وضع تا جایی پیش رفت که سرانجام، یان پاکولسکی^۱ و مالکوم واترز^۲، در کتاب «مرگ طبقه»^۳ خودشان در سال ۱۹۹۶، موضوع تحلیل طبقاتی و طبقه را خاتمه یافته تلقی کردند و پاکولسکی، در نوشته‌ای تحت عنوان «تحلیل پسا طبقاتی» تصریح کرد که:

نظریه و تحلیل طبقاتی با دو مشکل عمده مواجه‌اند: مشکل اعتبار، یعنی میزان تأیید تجربی اصول بنیادین آن‌ها و مشکل موضوعیت، یعنی توان و ظرفیت برجسته‌سازی بارزترین ویژگی‌های سلسله مراتب، شکاف و منازعه‌ی اجتماعی. (رایت و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۲۲)

پس از مرگ مانو، دنگ شیائوپینگ^۴ و همراهانش، تئوری «نزاع طبقاتی» رهبر انقلاب چین را کنار گذاشتند و با حرکت به سوی نظام بازار، گام‌های بلندی به سوی توسعه‌ی اقتصادی برداشتند. (کوز و وانگ، ۱۳۹۶، ۶۹ و ۷۰) آن‌چنان‌که رهبران حزب کمونیست روسیه نیز معترف بودند که حاصل این تحولات، رهایی هفتصد (۷۰۰) میلیون نفر از فقر مطلق در چین

1. Jan Pakulski
 2. Malcolm Waters
 3. Malcolm The death of class (1996)
 4. Deng Xiaoping

بوده است. رویکرد رهایی از فقر و دستیابی به رفاه، در غیاب «نزاع طبقاتی»، ویتنام را بر آن داشت تا آن‌ها نیز مسیری مشابه چین را پیماید. طی چند دهه اخیر، تحولات شگرف اقتصادی به همراه فاصله گرفتن از فقر و افزایش سطح رفاه عمومی از جمله در چین، ویتنام، هند، مالزی، ترکیه، کره جنوبی، مکزیک و به تازگی در بنگلادش، حاصل نقش آفرینی اتحادیه‌های کارگری یا مبارزه‌ی طبقاتی نبوده است و تردیدی نیست که فهم این دگرگونی‌ها در گرو شناخت سازوکارهایی دیگر است و به این دعوی پاکولسکی اعتبار می‌بخشد که تحلیل طبقاتی، پیکار طبقاتی و مفهوم طبقه با دشورای بزرگ «میزان تأیید تجربی اصول بنیادین» مواجه است.

این چنین شد که بسیاری از رهجویان و دل‌بسته‌گان به «تحلیل طبقاتی»، از اواخر قرن بیستم به بعد، دست به کار شدند که تا با اتخاذ آرایشی جدید در تعاریف و ساختارها، نظریه‌ی طبقاتی را از تباهی هر چه بیش‌تر نجات دهند و جایگزین‌های مقبول دیگری را عرضه بدارند. اما طرح‌ها و ایده‌های جدید، هیچ‌گاه مورد اجماع واقع نشدند و نشده‌اند و از این رو، «طبقات اجتماعی» و «تحلیل طبقاتی» در دوران حاضر، مبدل به مفاهیمی شده‌اند که از تعریف واحدی در نزد پیروان‌اش برخوردار نیست.

این سردرگمی در مضمون، یادآور هشدارهای خردمندان فرانسیس بیکن درباره تمحیح مضامین است. او چهار دسته شبهات ذهنی را عامل گمراهی ذهن انسان معرفی می‌کرد و آن‌ها را «بت‌های طایفه»^۱، «بت‌های غار»^۲، «بت‌های بازار»^۳ و «بت‌های نمایشخانه»^۴ می‌نامید. از میان این چهار دسته شبهات، آن‌چه در دستگاه نظری او «بت‌های بازار» نامیده می‌شوند، موجبات بروز انحراف از تفکر صحیح را فراهم می‌سازند و شبهاتی مربوط به حوزه «مفاهیم و معانی» و «زبان» را بنیان می‌نهند:

بت‌های بازار خطاهایی هستند که از تأثیر زبان سرچشمه می‌گیرند. کلماتی هستند که در زبان عموم به کار گرفته شده‌اند... گاهی کلمات بدون این‌که معنای واضحی یا معنای عموماً پذیرفته شده‌ای داشته باشند به کار می‌روند. (کاپلستون، ۱۳۹۳، ۳۶۱ و ۳۶۲)

محمد طیبیان نیز در بیان این وجه از آرای بیکن توضیح سودمندی عرضه داشته است:

بت‌های بازارگاه... اشتباه ناشی از به کار بردن کلمات و الفاظی است که دارای معنای و مفاهیم متعدد است و به کار بردن مغلطه‌آمیز این عبارات، امکان ایجاد خطا در

-
1. Idols of the tribe
 2. Idols of the den
 3. Idols of the market-place
 4. Idols of the theatre

منطق و تعقل را فراهم می‌کند. به نظر بیکن این رایج‌ترین نوع اشتباه در منطق و از جدی‌ترین خطاهاست. (طیبیان، ۱۳۹۶، ۱۸)

در روزگار ما نیز اغلب کسانی که در فضای «طبقاتی» به واکاوی مسائل اقتصادی، اجتماعی یا محیط زیستی و نظایر آن‌ها مبادرت می‌ورزند و یا می‌کوشند تا از ابزار نظری «تحلیل طبقاتی» در فهم امور جهان بهره‌جویند، یا از معنای «طبقه» نامطلع هستند و یا آگاهانه، واژه «طبقه» را به‌گونه‌ای مغلطه‌آمیز به خدمت می‌گیرند. در حقیقت کوشش می‌شود که درباره ناسامانی و عدم توافق درباره مضمون این مفاهیم سکوت اختیار شود. تردیدی نیست که به تبع بروز این اختلال در مفاهیم و حضور این آشفتگی نظری در مقدمه - مشتمل بر آشفتگی در تعاریف و مضامین - همه‌ی دعاوی مطرح شده در مؤخره نیز ملغمه‌ای هجو و بی‌اعتبار می‌نماید. چرا که اگر تعاریف و تفاسیر موجود درباره‌ی معنای «طبقه» ناسامان باشد، همه‌ی گزاره‌های پسین و واپسین مدعیان طبقاتی درباره‌ی مفاهیمی نظیر «جنش کارگری»، «پیکار طبقاتی»، «روز جهانی کارگر»، «بورژوازی ملی» یا «محیط زیست طبقاتی»، بر شالوده‌ای متزلزل بنا خواهند شد و یاری‌رسان تحلیل‌گران، در فهم امور جامعه نخواهند بود.

اگر پریشان‌حوالی در «نظریه‌ی طبقاتی» تنها به گفتگوهای عادی میان پژوهشگران علوم اجتماعی و اقتصادی محدود می‌شد، باکی نبود. اما در غالب موارد، این نظریه‌ی اجتماعی بی‌سامان، دست‌مایه‌ی عمل سیاسی می‌شود و تردیدی نیست که در این شرایط، بهره‌جویی آگاهانه از مفهوم مغلطه‌آمیزی مانند «طبقه»، تنها برای تهییج خلاق مفید خواهد بود تا صفوف هواداران را فشرده‌تر سازد و به عنوان ابزاری ایدئولوژیک، صرف مطامع و سوءاستفاده‌ی سیاسی شود. در «فصل نخست» این کتاب، مروری بر شکل‌گیری نظریه‌ی طبقاتی خواهیم داشت و همان‌جا نیز به واکاوی بحران‌های این نظریه خواهیم پرداخت. این فصل تصویری مقدماتی از زمینه‌های پیدایش نظریه‌ی طبقاتی، تعاریف پایه‌ی آن، دلایل ناکامی و افول آن و هم‌چنین آرای مخالفان‌اش را عرضه می‌دارد.

در «فصل دوم»، وجوه معرفت‌شناسی و روش‌شناسی نظریه‌های طبقاتی و به ویژه نظریه‌ی مارکس مورد کنکاش قرار گرفته است. این فصل حاوی زیربنایی‌ترین مفاهیم این مجموعه است و بنیان‌های فلسفی علوم اجتماعی به طور عام و نظریه‌های طبقاتی به طور خاص، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از آن‌جا که سخن گفتن از مفاهیم فلسفی، به میانجی مفاهیم متضاد خودشان، بر سهولت کار می‌افزاید، کوشش شده است تا در غالب بخش‌های این فصل، مفاهیم به صورت جفت‌های متضاد معرفی شوند: دوگانگی یا چندگانگی روش‌شناختی، دوگانگی یا چندگانگی منطق، دو تلقی متضاد از انسان، دو فهم متفاوت از دانش، دو رویکرد

متعارض از مضمون نظریه‌ی اجتماعی، دو طریقه مختلف در روش مطالعه‌ی علوم انسانی و دو نگاه گوناگون به حقوق و اخلاق.

برخلاف فصل اول که ارجاعاتی به یافته‌ها و شواهد تجربی دارد، فصل دوم، مبرای از فضای تجربه^۱، باریک‌بینی در روش شناخت و امکان تحقق آن را در دستور کار خود قرار داده است.

ناکامی در کاربست نظریه‌های طبقاتی، برخی از متفکران چپ را به چاره‌جویی وا داشته است و از این رو، «فصل سوم» نیز به معرفی مساعی این گروه برای بازسازی نظریه طبقاتی اختصاص یافته است. مطالعه این آراء از اهمیت چندگانه‌ای برخوردار است: نخست این‌که از زبان ایشان بشنویم و بدانیم که ناکارآمدی «نظریه‌ی طبقاتی» موضوعی جدی است، دیگر آن‌که از تشتت آرای میان صاحب‌نظران چپ در باب طبقه و تحلیل طبقاتی مطلع شویم. افزون بر این، دریابیم که دیگر مفهوم مستتب از طبقه یا طبقات اجتماعی در نزد متکلمان علوم انسانی، بر مفهوم مبرهن و یکتایی دلالت نمی‌کند.

در «فصل چهارم»، به سراغ دعاوی محیط زیستی طبقاتی خواهیم رفت و نمونه‌هایی از آن‌ها را بررسی خواهیم کرد.

طی چند دهه‌ی اخیر، اثرات مخرب ناشی از انواع آلودگی‌ها در خاک، هوا، آب و جو زمین، به بحران‌های متعددی نظیر از بین رفتن تنوع زیستی^۲، بحران تغییرات اقلیمی^۳ و به طور کلی تخریب محیط زیست^۴، به شکل فزاینده‌ای بدل به یکی از دغدغه‌های جدی جامعه انسانی شده است. گزارش‌های پیاپی ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ مجمع جهانی اقتصاد^۵ درباره‌ی مهم‌ترین مخاطرات آتی جوامع بشری، حکایت از آن دارد که «محیط زیست» چه از حیث احتمال وقوع^۶ و چه از منظر شدت اثرات تخریبی آن^۷، در صدر مخاطرات^۸ جهان ماقرار دارد. (اتفاق و مرعشی، ۱۳۹۸) (اتفاق و مرعشی، ۱۴۰۰، ۶۰-۶۵)

اما از سویی دیگر این اوضاع مستمسکی برای دست‌یابی به اهداف سیاسی نیز شده است و دعاوی «محیط زیستی طبقاتی»، یک نمونه از این موارد است. در فصل چهارم، برخی از این نمونه‌ها در قالب پرونده‌های موضوعی بررسی شده است.

1. a priori
2. Biodiversity loss
3. Climate crisis
4. Environmental degradation
5. World Economic Forum (WEF)
6. Likelihood
7. Impact
8. Risk = Likelihood x Impact

«فصل پنجم»، یک جمع‌بندی اجمالی از محتوای این کتاب در آن ارائه شده است و پایانی بر این کار پژوهشی است.

قدردان مهر بی‌پایان دکتر موسی غنی‌نژاد هستم که پس از دو نوبت مطالعه کتاب، من را از راهنمایی‌هایی ارزشمند خود بهره‌مند نمودند و مانند همیشه مشوق و راهنمایم بودند.

فهرست مطالب

- فصل اول. افسون‌زدائی از مفهوم طبقه..... ۱۷
- اول-۱) پیشینه‌ی تحلیل طبقاتی ۱۷
- اول-۲) نیاز به تحلیل طبقاتی ۲۰
- اول-۳) معرفی نظریه طبقاتی مارکس ۲۱
- اول-۴) بحران‌های نظریه‌ی طبقاتی مارکس ۳۲
- اول-۴-۱) ناکامی‌های نظریه‌ی نیروهای مولد ۴۰
- اول-۴-۲) عدم توفیق در نظریه‌ی آگاهی طبقاتی ۴۵
- اول-۴-۳) چشم‌پوشی از سایر گروه‌بندی‌های اجتماعی ۵۲
- اول-۴-۴) تقدم اهداف و منافع فردی بر منافع طبقاتی ۵۶
- اول-۴-۵) خطا در شناسایی منشاء استثمار ۶۳
- اول-۴-۶) سطوح درآمدی، به جای مالکیت ابزار ۷۳
- اول-۴-۷) کار غیر دست‌مزدی و تأمین سرمایه در دنیای امروز ۸۶
- دوم-۴-۸) تحول دائمی در شکل و محتوای کار ۱۰۱
- اول-۴-۹) بحران در تعریف مناسبات طبقه و دولت ۱۰۹
- اول-۴-۱۰) ناممکن بودن بدیل جامعه‌ی طبقاتی ۱۲۱
- اول-۴-۱۱) رفاه بی‌نیاز از مبارزه‌ی طبقاتی ۱۲۴
- فصل دوم. مبانی معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تحلیل طبقاتی ۱۴۰
- دوم-۱) الگوی کسب معرفت ۱۴۰

- دوم-۲) دوگانگی یا چندگانگی (مونیسم/ دوآلیسم/ پولی لوژیسم) در روش شناختی و منطق..... ۱۴۷
- دوم-۳) تعریف از انسان..... ۱۵۰
- دوم-۴) تعریف از دانش..... ۱۵۲
- دوم-۵) تعریف از مفاهیم..... ۱۵۴
- دوم-۶) مضمون نظریه‌ی اجتماعی..... ۱۶۲
- دوم-۷) روش مطالعه‌ی علوم انسانی..... ۱۷۵
- دوم-۸) حقوق و اخلاق..... ۱۸۳

- فصل سوم. کوشش برای بازسازی نظریه طبقاتی..... ۱۹۱
- سوم-۱) مطالعات اریک رایت: نظام طبقاتی ۱۲ طبقه‌ای..... ۱۹۳
- سوم-۲) دیوید گروسکی و گابریلا گالسکو: تحلیل طبقاتی نودورکیمی..... ۱۹۹
- سوم-۳) ریچارد برین و جان گلدتورپ وبری: تحلیل طبقاتی نووبری..... ۲۰۵
- سوم-۴) ادوارد تامپسون: طبقه به مثابه‌ی پدیده‌ای تاریخی..... ۲۱۴
- سوم-۵) جرالند کوهن: در مسیر اصلاح نظریات مانیفست..... ۲۲۰
- سوم-۶) الیوت بی. واینینگر: تحلیل طبقاتی پی‌یر بوردیو..... ۲۲۳
- سوم-۷) رزماری کرامتون: در جستجوی مفهوم طبقه..... ۲۳۳
- سوم-۸) نابرابری و طبقه: توماس پیکتی..... ۲۳۶
- سوم-۹) یان پاکولسکی: تحلیل پساطبقه‌ای..... ۲۵۵
- سوم-۱۰) ارنستو لاکلاو: پسامارکسیسم در غیاب طبقه..... ۲۵۷
- سوم-۱۱) موشه پوستون: طبقه‌ی کارگر سوژه‌ی تحول نیست..... ۲۶۰

- فصل چهارم. رویکردهای طبقاتی به محیط زیست..... ۲۶۵
- چهارم-۱) تعاریف مقدماتی از محیط زیست..... ۲۶۵
- چهارم-۱-۱) تخریب محیط زیست..... ۲۶۵
- چهارم-۱-۲) گرمایش زمین و تغییرات اقلیمی..... ۲۷۲
- چهارم-۱-۳) کیفیت محیط زیست..... ۲۷۳
- چهارم-۱-۴) گازهای گل‌خانه‌ای و اثر گل‌خانه‌ای..... ۲۷۴
- چهارم-۱-۵) ردپای کربن..... ۲۷۶
- چهارم-۱-۶) ردپای کربن گاوها و همبرگرا..... ۲۷۷

چهارم (۱-۷) بودجه‌ی کرین.....	۲۷۹
چهارم (۲) بررسی چند نمونه از دعاوی طبقاتی محیط‌زیستی.....	۲۸۲
فصل پنجم. سرانجام نظریه‌های طبقاتی.....	۳۷۷
منابع و مراجع.....	۳۸۱
به زبان پارسی.....	۳۸۱
به زبان‌های دیگر.....	۳۹۱
نمایه اسامی به زبان انگلیسی (Index).....	۳۹۹
نمایه اسامی به زبان پارسی.....	۴۰۵

افسون‌زدائی از مفهوم طبقه

اول-۱) پیشینه‌ی تحلیل طبقاتی

گردآوری میوه‌ها و دانه‌های خوراکی، صید ماهی یا کوشش برای شکار دسته‌جمعی حیوانات عظیم‌الجثه‌تر، شیوه متداول ارتزاق و رویه ناگزیر انسان‌های نخستین برای بقاء و تداوم حیات بود. اما حاصل این تکاپوی مستمر برای تأمین غذا، هرچه‌که بود تنها صرف سیر شدن روزانه می‌شد.^۱

کشف فناوری‌های مربوط به کشاورزی و نگهداری حیوانات اهلی توسط انسان، رفته‌رفته اوضاع را دگرگون ساخت و مفهومی به نام «مازاد» اقتصادی تبلور یافت. مازاد چیزی فزون‌تر از نیاز به سیر کردن شکم‌های گرسنه بود. آن‌چه‌که در فرایند کشاورزی و دامداری، می‌توانست برای روز مبادا ذخیره شود و در دوران ناملایمات طبیعی و بی‌وفایی زمین یا آسمان، همچون بروز خشکسالی، سیل، آفت، بیماری و نظایر آن مصرف شود. به توصیف یانیس واروفاکیس^۲:

مازاد مقادیر اضافه‌ای است که اجازه‌ی انباشتن و استفاده‌ی در آینده را می‌دهد - مثل گندم که برای روزهای سخت (چه بسا برداشت بعدی با تگرگ نابود شود) نگه

1. Hunter- gatherer Society
2. Yanis Varoufakis